

## درس دوم

### فی محضرِ المُعلِّمِ

#### فی محضرِ المُعلِّمِ

تَقْرَأُ فِي هَذَا الدَّرْسِ فِي إِمَامِ الْمُعَلِّمِ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ حَيْثَمَا يَدْرُسُ الْمُعَلِّمُ أَنْ نَسْمَعَ كَلِمَةً وَ نَصَائِحَهُ وَ أَنْ لَانْعَصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ وَ نَجْتَنِبَ عَنْ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلأَدَبِ وَ نَتَوَاضَعُ إِمَامَ الْمُعَلِّمِ حَتَّى نَفُوزَ فِي الدَّرُوسِ وَ حَيَاتِنَا وَ قَدْ جَاءَ فِي الآيَةِ الْكَرِيمَةِ: «اقْرَأْ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ».

#### در پیشگاه معلم

در این درس می‌خوانیم در مقابل معلم خوش‌اخلاق باشیم و هنگامی که معلم درس می‌دهد سخنان و نصیحت‌های او را بشنویم و از دستورات معلم سرپیچی نکنیم و از سخنانی که در آن بی‌ادبی است پرهیز کنیم و در مقابل معلم فروتنی کنیم تا این‌که در درس‌ها و زندگی‌مان پیروز شویم و در آیه کریمه آمده است: «بخوان و پروردگارت همان که با قلم یاد داد، گرامی‌ترین است.»

موضوع قواعد: اسلوب الشُّرْطِ و ادوائُهُ







## لغت‌های جدید



أَجَلٌ: گران قدرتر	ضَرٌّ: زیان رساند	إِرْتَبَطَ: ارتباط داشت
عَصَى: سرپیچی کرد	هَمَسَ: بی‌چ‌چ کرد، آهسته سخن گفت	إِسْتَمَعَ: گوش فرا داد
علم الأحياء: زیست‌شناسی	الكيمياء: شیمی	إِلْتَزَمَ: پایبند شد
كُنْ: باش	التفات: روی برگرداندن	إِلْتَفَتَ: روی برگرداند
ماتَّقَدُّموا: هرچه پیش بفرستید	رَسَبَ: مردود شد	أَلْفَ: نگاهت
يُتَبَّئُ: استوار می‌سازد	اجتناب: دوری کردن	تازة: یک بار
حَسَبَ: پس	هَرَبَ: فرار کرد	تَبَجَّلَ: بزرگ‌داشت
امیر: فرمانده	ماهر: زبردست	تَعَتَّى: مچ‌گیری
فَكَرَّ: اندیشید	مَجَالَ: زمینه	تَنَبَّهَ: آگاه شد
فُؤْمٌ: برخیز	حاوَلٌ: تلاش کرد	حِصَّةٌ: زنگ درسی
مُشَاغِبٌ: شلوغ‌کننده و اخلاص‌گر	سَبَقَ: پیشی گرفت	كادَ: نزدیک بود
حَصَدَ: درو کرد	سَبَّوْرَةٌ: تخته سیاه	وَأَفَّقَ: موافقت کرد
قضى امرأً: دستور داد	سلوک: رفتار	وَفَّى: کامل کرد
وفه التبجيل: احترامش را کامل به جا بیاور	الثَّوْمُ: خواب	أَنْشَأَ: ساخت
حَجَلٌ: شرمند شد		

## متضادها



قليل ≠ كثير	أحياء ≠ أموات
حُسن الأدب ≠ سوء الأدب	زَرَعٌ ≠ حَصَدَ
قَامٌ ≠ جَلَسَ	ضَرٌّ ≠ نَفَع
خَيْرٌ ≠ شَرٌّ	سَكَتٌ ≠ تَكَلَّمَ
دَنَا ≠ بَعُدَ	صَدَاقَةٌ ≠ عَدَاوَةٌ

## مترادفها



حِصَّةٌ = جَرَسٌ	وراء = خلف
تَبَجَّلَ = تَعْظِيمٌ	إِثْمٌ = ذَنْبٌ
فَرٌّ = هَرَبٌ	تازة = مرّة
حُبٌّ = وُدٌّ	

## جمع‌های مکسر



طلّابٌ: طالب	سُلوكٌ: سلک
أحياءٌ: حَيٌّ	عُلَماءٌ: عالم
أوامرٌ: امر	كلامٌ: کلمه
رُملاءٌ: رَمِيلٌ	عناصرٌ: عنصر
أعداءٌ: عدوٌ	جُنودٌ: جُندى
أنفُسٌ: نفس	الأردالٌ: رذیل
أفاضلٌ: فضل	أقدامٌ: قَدَمٌ

## فی محضر المعلم در پیشگاه معلم

## درس دوم

فی الحصة الأولى كان الطلاب يستمعون إلى كلام مُدرِّس الكيمياء، و كان بينهم طالبٌ مُشاعِبٌ قليلُ الأدب، يضرُّ الطلابَ بسلوكه،  
در زنگ درسی اول دانش‌آموزان به سخنان معلم شیمی گوش می‌کردند و در میان آن‌ها دانش‌آموز شلوغ و بی‌ادبی بود که دانش‌آموزان را با رفتارش آزار می‌داد.

يَلْتَفِتُ تارةً الى الورا و يتكلم مع الذي خلفه و تارةً يهيمس الى الذي يجلس جنبه حين يكتب المعلم على السبورة، و في الحصة الثانية كان  
الطالب يسأل معلم علم الأحياء تعنتاً.

یک بار رویش را به عقب برمی‌گرداند و با کسی که پشت سرش بود صحبت می‌کرد و یک بار هنگامی که معلم روی تخته سیاه می‌نوشت، با کسی که کنارش بود پیچ می‌کرد و در زنگ دوم همین دانش‌آموز از معلم زیست‌شناسی به قصد مچ‌گیری سؤال می‌کرد.

و في الحصة الثالثة كان يتكلم مع زميلٍ مثله و يضحك، فنصحه المعلم و قال: مَنْ لا يَسْتَمِعُ الى الدرس جيداً يرسب في الامتحان. ولكن الطالب  
استمر على سلوكه.

و در زنگ سوم با هم‌کلاسی مثل خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید؛ معلم او را نصیحت کرد و گفت: هر کس به درس خوب گوش ندهد در امتحان مردود می‌شود؛ آن ولی دانش‌آموز رفتارش را ادامه داد.

فكر مهرا حول هذه المشكلة، فذهب الى معلم الأدب الفارسي و شرح له القضية و قال: أحبُّ أن اكتب إنشاء تحت عنوان «في محضر المعلم»؛

مهران درباره این مشکل فکر کرد و به سوی معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برای او شرح داد و گفت: در کلاس ما دانش‌آموز شلوغی است، دوست دارم انشایی با عنوان «در پیشگاه معلم» بنویسم.

فوافق المعلم على طلبه، و قال له: إن تطالع كتاب «منية المرید» لزين الدين العملي «الشهيد الثاني» يساعذك في إنشائك، ثم كتب مهرا إنشاءه  
و أعطاه لمعلمه.

معلم با درخواستش موافقت کرد و به او گفت: اگر کتاب «مُنِيَّة المَرِيد» از زین الدین عاملی «شهید ثانی» را مطالعه کنی تو را در نوشتن انشایت کمک می‌کند، سپس مهران انشایش را نوشت و آن را به معلمش داد.

فقال المعلم له: إن تقرأ إنشاءك امام الطلاب فسوف يتنبه زميلك المشاعِب و هذا قسم من نص انشائه.

معلم به او گفت: اگر انشایت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی هم‌کلاسی اخلاک‌گرت آگاه خواهد شد و این قسمتی از متن انشای اوست.

... ألفت عدد من العلماء كُتبا في مجالات التربية و التعليم. يرتبط بعضها بالمعلم و الأخرى بالمتعلم، و للطلاب في محضر المعلم آداب، من يلتزم  
بها ينجح، أهمها.

شماری از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های آموزش و پرورش نوشتند که بعضی از آن به معلم مربوط است و بعضی دیگر به یادگیرنده. برای دانش‌آموز در پیشگاه معلم،  
آدابی است، هر که به آن پایبند باشد، پیروز می‌شود؛ مهم‌ترین آن عبارت‌اند از:

۱. أن لا يعصى أوامر المعلم.

از دستورات معلم سرپیچی نکند.

۲. الإجتناِب عن كلام فيه اساءة للادب.

دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است.

۳. أن لا يهرُب من أداء الواجبات المدرسية.

این‌که از انجام دادن تکالیف مدرسه فرار نکند.

۴. عَدَم التَّوَم في الصف، عندما يُدرِّس المعلم.

نخوابیدن در کلاس، هنگامی که معلم درس می‌دهد.

۵. أن لا يتكلم مع غيره من الطلاب عندما يُدرِّس المعلم.

این‌که وقتی معلم درس می‌دهد، با دانش‌آموزان دیگر صحبت نکند.



۶. أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ يَسْبِقُهُ بِالْكَلامِ وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ.  
این که سخنش را قطع نکند و در سخن گفتن از او پیشی نگیرد و صبر کند تا سخن او تمام شود.
۷. الْجُلُوسُ اِمَامَهُ بِأَدبٍ وَ اِلِسْتِمَاعُ اِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الْاِلْتِفَاتِ اِلَى الْوَرَاءِ اِلَّا لِحَرْوَرَةِ.  
در مقابل او با ادب نشستن و به دقت به او گوش دادن و به پشت سر نگاه نکردن مگر به ضرورت.
- لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبَ اِنْشَاءَ مَهْرَانٍ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سَلُوْكَهٖ فِى الصَّفِّ.  
هنگامی که دانش‌آموز اخلاک‌آموز انشای مهران را شنید، شرمند شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.
- قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ اِحْمَدُ شَوْقِيٌّ اِحْمَدُ شَوْقِيٌّ عَنِ الْمَعْلَمِ:  
شاعر مصری احمد شوقی درباره معلم گفته است:

فَمُ لِلْمَعْلَمِ وَفِيهِ التَّبْجِيلَا  
برای معلم بر خیز و احترامش را کامل بجا بیاور.  
كَادَ الْمَعْلَمُ اَنْ يَكُوْنَ رَسُوْلَا  
نزدیک است که معلم پیامبر باشد.

اَعْلَمْتِ اشْرَفَ اَوْ اَجَلَ مِنَ الَّذِي  
آیا شناخته‌ای شریف‌تر و باشکوه‌تر از معلمی که جان‌ها و خردها را می‌سازد و پدید می‌آورد؟  
يَبْنِي وَ يُنْشِئُ اَنْفُسًا وَ عُقُوْلًا؟

### فنون ترجمه

۱. ماضی استمراری = كان + فعل مضارع  
مانند: يَفْعَلُ = انجام می‌دهد / كان يَفْعَلُ = انجام می‌داد
۲. مضارع التزامی = اَنْ + فعل مضارع  
مانند: يَفْعَلُ = انجام می‌دهد / اَنْ يَفْعَلُ = انجام دهد
۳. حروف شرط (مَنْ - اِنْ - مَا) + فعل مضارع  
(هرکس اگر هرچه) مضارع التزامی مضارع اخباری  
مانند: مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحْ = هر کس تلاش کند، پیروز می‌شود.
۴. آینده = سَ یا سَوْفَ + فعل مضارع / سَوْفَ يَفْعَلُ = انجام خواهد داد

### تمرین‌های امتحانی ترجمه

التمرین الأول - أكمل الترجمة على حسب الدرس:

۱. فی الحصّة الأولى كان الطالب يستمعون إلى كلام مُدْرَس الكيمياء.
  ۲. كان الطالب يسأل معلم علم الأحياء تَعْتَنًا.
  ۳. مَنْ لا يَسْتَمِعُ إِلَى الدرس جَيِّدًا يَرْسَبُ فِي الامْتِحَانِ.
  ۴. اِنْ تَقْرَأْ اِنْشَاءَكَ اِمَامَ الطَّالِبِ فَسَوْفَ يَتَّبِعُكَ زَمِيْلَكَ الْمُشَاغِبَ.
  ۵. اِنْ تَزْرَعُ خَيْرًا تَحْصُدُ سَرُوْرًا.
  ۶. الاجْتِنَابُ عَنِ الْكَلَامِ فِيهِ اِسَاءَةُ الْاَدَبِ.
  ۷. السَّبُوْرَةُ لَوْحٌ اِمَامِ الطَّالِبِ يَكْتُبُوْنَ عَلَيْهِ.
  ۸. مَنْ سَأَلَ فِي صَغْرِهِ اَجَابَ فِي كِبَرِهِ.
- در زنگ اول دانش‌آموزان به سخنان معلم ..... ، .....  
دانش‌آموز از معلم ..... به قصد مع‌گیری .....  
هر کس به درس خوب ..... در امتحان .....  
اگر انشای خود را در مقابل دانش‌آموزان بخوانی، هم‌کلاسی ..... ، .....  
اگر نیکی ..... شادی .....  
..... از سخنانی که در آن ..... است.  
..... مقابل دانش‌آموزان که روی آن .....  
هر کس در ..... بپرسد در ..... پاسخ می‌دهد.

التمرین الثانی - عین الترجمة الصحيحة:

۱. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيراً يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.
 

الف. هر که بسیار تلاش کند، به هدفش خواهد رسید.

ب. هر کس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.
۲. عِلْمُ الْكِيمِيَاءِ عِلْمٌ مَطَالَعَةُ خَوَاصِ الْعَنَاصِرِ.
 

الف. علم شیمی، علم مطالعه خواص عنصرهاست.

ب. علم زیست‌شناسی، علم مطالعه خواص عنصرهاست.
۳. كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ كَلَامَ مُدْرَسٍ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ.
 

الف. دانش‌آموزان سخنان معلم زیست‌شناسی را می‌شنوند.

ب. دانش‌آموزان سخنان معلم زیست‌شناسی را می‌شنیدند.
۴. أَلْفٌ عِدَّةٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ.
 

الف. تعدادی از دانشمندان کتابی در زمینه‌های تعلیم و تربیت نوشته بودند.

ب. تعدادی از دانشمندان کتاب‌هایی در زمینه‌های تعلیم و تربیت نوشتند.
۵. قُمْتُ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ.
 

الف. از جاییت در مقابل برادرت بلند شد.

ب. از جاییت در مقابل پدرت برخیز.

التمرین الثالث - عین الصحيح في ما أُشير إليه بخط:

۱. يَسْتَمِعُ إِلَى كَلَامِ مُدْرَسِ الْكِيمِيَاءِ. (شیمی - زیست‌شناسی - فیزیک)
۲. فِي صَفْنَا طَالِبٌ مُشَاغِبٌ. (اخلاق - مؤذّب - بی‌ادب)
۳. يَلْتَفَتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ. (مقابل - کنار - پشت)
۴. كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ. (صحبت کرد - صحبت می‌کند - صحبت می‌کرد)
۵. مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ. (هرکس - کسی که - اگر)
۶. إِذَا اجْتَهَدْتَ نَجَحْتَ. (موفق شدی - موفق می‌شوی - موفق خواهی شد)
۷. التَّعْنُتُ طَرْحُ سَوَالٍ صَعِبٍ. (طعنه زدن - مچ‌گیری کردن - انجام دادن)

التمرین الرابع - صحح الأخطاء في الترجمة:

۱. الْعَالِمُ حَيٌّ وَ إِن مَيِّتًا. جهان زنده است اگر چه بمیرد.
۲. إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ. اگر نیکی کردید به خودت نیکی خواهی کرد.
۳. مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ. اگر کسی خوبی کند خدا آن را می‌بیند.
۴. التَّوَضُّعُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ كَتَوَضُّعِ الْمَرِيضِ أَمَامَ الطَّبِيبِ الْمَاهِرِ. در نزد معلم فروتنی کردند مانند فروتنی کردن مریض، در مقابل پزشک موفق است.
۵. أَحِبُّ أَنْ أُكْتَبَ انْشَاءً تَحْتَ عِنَاوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ». دوست داشتم انشایی با عنوان «در جایگاه معلم» می‌نوشتم.

التمرین الخامس - أكمل الفراغات مُستعیناً بالكلمات التالية:

- «كيف - النوم - قليل - الحصة - لا يعصى - وافق - يتوكل»
۱. أَنْ ..... أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. ۲. عَدَمٌ ..... فِي الصَّفِّ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ.
  ۳. فِي ..... الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ. ۴. كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ ..... الْاَدَبِ.
  ۵. ..... الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ. ۶. ..... كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفَتُ إِلَى الْوَرَاءِ.
  ۷. مَنْ ..... عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.



التَّمرين السَّادس- اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ:

فى الحِصَّةِ الأولى كان الطَّالِبُ يَسْتَمْعُونَ الى كِلامِ مُدَرِّسِ الكِيمياءِ و كان بَيْنَهُم طالِبٌ مِشاغِبٌ قَليلُ الأَدبِ. فَنَصَحَهُ المُعَلِّمُ و قال: مَنْ لا يَسْتَمِعُ الى الدَّرْسِ ما نَجَحَ فى الامْتِحانِ. ثُمَّ فَكَّرَ الطَّالِبُ حَولَ هذِهِ المُشْكَلةِ فَذَهَبَ الى مُعَلِّمِ الأَدبِ الفارِسيِّ و قال له فى صَفْنا طالِبٌ مِشاغِبٌ.

١. فى أَى الحِصَّةِ كان الطَّالِبُ يَسْتَمْعُونَ الى كِلامِ مُدَرِّسِ الكِيمياءِ؟
٢. كيف تَكُونُ الطَّالِبُ بَيْنَهُم؟
٣. أين ذَهَبَ الطَّالِبُ لِحَلِّ المُشْكَلةِ؟
٤. عَيَّنْ فِعْلَ ماضى اسْتِمْرارى:

التَّمرينُ السَّابِع- أَكْتُبِ المُطْلُوبَ (المُتْرادِفِ، المُتضادِّ و مُفْرَدِ الكَلِماتِ):

- |  |                                 |                                    |
|--|---------------------------------|------------------------------------|
| ١. السَّبُورَةُ (بالفارِسيَّة): .....      | ٢. مِجْگيرى (بالعربيَّة): ..... | ٣. هَمَسَ (بالفارِسيَّة): .....    |
| ٤. عِلْمُ الأَحْياءِ (بالفارِسيَّة): ..... | ٥. شِمْيى (بالعربيَّة): .....   | ٦. زُملاءُ ← مُفْرَدُها: .....     |
| ٧. إِثمٌ = .....                           | ٨. أَحْياءٌ ≠ .....             | ٩. زَرَعٌ ≠ .....                  |
| ١٠. امرٌ ← جَمْعٌ مَكسَرٌ: .....           | ١١. نازَةٌ = .....              | ١٢. نَفْسٌ ← جَمْعٌ مَكسَرٌ: ..... |

التَّمرينُ الثَّامِنُ - تَرِجِمِ العِبْراتِ التَّالِيَةَ:

١. أَنْ لا يَهْرَبَ مِنْ أَداءِ الواجباتِ المُدرِسيَّةِ.
٢. أَنْ لا يَقطِعَ كِلامَهُ و لا يَسْبِقَهُ بالكِلامِ.
٣. ما فَعَلتَ مِنَ الخِيراتِ وَجَدتَها ذَخيراً لآخِرَتِكَ.
٤. إذا قَضَى أَمراً فَأَمَّا يَقولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.
٥. ما تَقَدَّموا لأنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ.
٦. مِنْ عِلْمٍ عِلْماً فَلَهُ أَجرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ لا يَنْقُصُ مِنْ أَجرِ العامِلِ.
٧. النَّاسُ أَعْداءُ ما جَهِلُوا.

### پاسخ تمرین‌های امتحانی ترجمه

#### التمرین الأول

- ۱ شیمی - گوش می‌کردند
- ۲ زیست‌شناسی - سؤال می‌کرد
- ۳ گوش ندهد - مردود می‌شود
- ۴ اخلاک‌گرت - آگاه خواهد شد
- ۵ بکاری - درو می‌کنی
- ۶ دوری کردن - بی‌ادبی
- ۷ تخته سیاه - می‌نویسند
- ۸ کودکی‌اش - بزرگی‌اش

- ۳ الحِصَّة
- ۴ قلیل
- ۵ وافَق
- ۶ کیف
- ۷ يَتَوَكَّل

#### التمرین السادس

- ۱ كان الطلابُ يَستمعونَ الى كلامِ مُدَرِّسِ الكيمياءِ في الحِصَّةِ الاولى.
- ۲ كان الطالبُ بيَنهم مُشاغِباً.
- ۳ دَهَبَ الطالبُ لِحَلِّ مشكلَةٍ الى معلِّمِ الأدبِ الفارسيِّ.
- ۴ كان يَستمعونَ.

#### التمرین الثَّاني

- ۱ گزینۀ «ب»
- ۲ گزینۀ «الف»
- ۳ گزینۀ «ب»
- ۴ گزینۀ «ب»
- ۵ گزینۀ «ب»

#### التمرین السابع

- ۱ تخته سیاه
- ۲ تعنَّت
- ۳ پیچ کردن
- ۴ زیست‌شناسی
- ۵ الكيمياء
- ۶ زَميل
- ۷ دَنب
- ۸ أموات
- ۹ حَصَدَ
- ۱۰ أوامر
- ۱۱ مَرَّة
- ۱۲ أنفُس

#### التمرین الثَّالث

- ۱ شیمی
- ۲ اخلاک‌گرت
- ۳ پشت
- ۴ صحبت می‌کرد
- ۵ هر کس
- ۶ موفق می‌شوی
- ۷ مچ‌گیری

#### التمرین الرابع

- ۱ جهان ← دانشمند/ می‌برد ← مرده باشد
- ۲ نیکی کردید ← نیکی کنید/ خودت ← خودتان/ نیکی خواهی کرد ← نیکی می‌کنید
- ۳ اگر ← آن‌چه/ خوبی کند ← از خوبی انجام دهید/ می‌بیند ← می‌داند
- ۴ نزد ← مقابل/ فروتنی کردند ← فروتنی کردن/ موفق ← زبردست
- ۵ دوست داشتم ← دوست دارم/ می‌نوشتم ← بنویسم

#### التمرین الثَّامن

- ۱ این‌که از انجام دادن تکالیف مدرسه نگریزد.
- ۲ این‌که سخنش را قطع نکند و در سخن گفتن از او سبقت نگیرد.
- ۳ آن‌چه از خوبی‌ها انجام دهی آن را پس‌اندازی برای آخرت می‌بایی.
- ۴ زمانی‌که او کاری را دستور دهد با یک اراده انجام می‌شود.
- ۵ هر چه از خوبی برای خودتان از پیش بفرستید آن را نزد خدا می‌یابید.
- ۶ هر که علمی یاد دهد، پاداش کسی که بدان عمل می‌کند از اوست و پاداش عامل کاسته نمی‌شود.
- ۷ مردم دشمنان آن چیزی هستند که نمی‌دانند.

#### التمرین الخامس

- ۱ لایعصی
- ۲ التَّوم

## درستنامه قواعد

در زبان فارسی جمله‌هایی وجود دارند که به جملات شرطی معروف‌اند. این جمله‌ها با کلماتی از قبیل «اگر، هرکس، هرگاه، هرچیز و ...» آغاز می‌شوند.

جمله‌های شرطی ← ادوات شرط + فعل اول + فعل دوم

فعل شرط    جواب شرط

مهم‌ترین ادوات شرط

۱. مَنْ (هرکس) ← مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصُدْ نِدَامَةً

فعل شرط    جواب شرط

۲. مَا (هر چه) ← مَا تَفْعَلُ مِنْ خَيْرٍ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ

فعل شرط    جواب شرط

۳. إِنْ (اگر) ← إِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ

فعل شرط    جواب شرط

۴. إِذَا (هر گاه، اگر) ← إِذَا اجْتَهَدْتَ، تَجَحَّتْ

فعل شرط    جواب شرط

معمولاً ادوات شرط بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد. فعل اول، «فعل شرط» و فعل دوم، «جواب شرط» نام دارد.

۱. گاهی جواب شرط به صورت جمله اسمیه می‌آید.

و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

فعل شرط    جواب شرط (جمله اسمیه)

هرکس بر خدا توکل کند، خدا برایش کافی است.

۲. گاهی ادوات شرط بر سر عبارتی می‌آیند که ۲ فعل ماضی دارد. در این حالت می‌توانیم فعل شرط را «مضارع التزامی» و

جواب آن را «مضارع اخباری» ترجمه کنیم.

ادوات شرط + فعل اول ماضی + فعل دوم ماضی

ترجمه = مضارع التزامی    مضارع اخباری

**مثال** مَنْ حَفَرَ بئراً لِصَدِيقِهِ، وَفَعَّ فِيهَا: هر کس چاهی برای دوستش حفر کند، داخل آن می‌افتد.

مضارع التزامی    مضارع اخباری

۳. هرگاه ادوات شرط بر سر عبارتی با دو فعل مضارع بیاید، فعل شرط به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

**مثال** مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ: هر چه در جهان بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

مضارع التزامی

با توجه به نکات بالا، پس هرگاه ادوات شرط بر سر هر فعلی آید، فعل اول مضارع التزامی و فعل دوم مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

ادوات شرط + فعل اول + فعل دوم

مضارع التزامی    مضارع اخباری



تمرین‌های امتحانی قواعد

التمرین الأول - عین جملات الشرطية أو غير الشرطية:

۱. لا تحزن، إن الله معنا.
۲. من يتأمل قبل الكلام، يسلم من الخطاء.
۳. إن تزرع خيراً، تحصد سروراً.
۴. الكفار لم يؤمنوا بما أنزل الله.
۵. أخذوا من مكان قريب.
۶. من صبر في المشاكل طفر.

التمرین الثاني - عین فعل الشرط و جواب شرط:

۱. إن تنصروا الله ينصركم.
۲. ما فعلت من الخيرات، وجدتها ذخيرة لآخرتك.
۳. من صبر في أموره، طفر.
۴. من علم علماً، فله اجر عند الله.
۵. اذا اجتهدت، نجحت.

التمرین الثالث - عین آداب الشرط و ترجم العبارات:

۱. إن اجتهدت في أعمالك تنجح.
۲. من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون (بقره/ ۲۲۹)
۳. إذا اجتهدت في دروسك، نجحت في الامتحان.
۴. من يحاول كثيراً، يصل إلى أهدافه.
۵. ما تزرع في الدنيا، تحصد في الآخرة.
۶. من فكر قبل الكلام، قل خطأ.
۷. إن ينزل المطر، يناسب الجو.
۸. اذا ملك الأراذل، هلك الأفاضل.

التمرین الرابع - عین ما لا يناسب الأخرى مع بيان السبب:

- |                                 |                             |
|---------------------------------|-----------------------------|
| من <input type="checkbox"/>     | ۱. <input type="checkbox"/> |
| ها <input type="checkbox"/>     | ۲. <input type="checkbox"/> |
| اولئك <input type="checkbox"/>  | ۳. <input type="checkbox"/> |
| تكتاب <input type="checkbox"/>  | ۴. <input type="checkbox"/> |
| فكر <input type="checkbox"/>    | ۵. <input type="checkbox"/> |
| ها <input type="checkbox"/>     |                             |
| من <input type="checkbox"/>     |                             |
| هانا <input type="checkbox"/>   |                             |
| يعلمون <input type="checkbox"/> |                             |
| وقعا <input type="checkbox"/>   |                             |
| من <input type="checkbox"/>     |                             |
| اذا <input type="checkbox"/>    |                             |
| ان <input type="checkbox"/>     |                             |
| اخرج <input type="checkbox"/>   |                             |
| تحصدين <input type="checkbox"/> |                             |
| نحن <input type="checkbox"/>    |                             |

## التَّمْرِينُ الخَامِسُ - تَرْجَمِ الجُمَلِ التَّالِيَةَ:

١. مَنْ حَفَرَ بَيْتاً وَقَعَ فِيهَا.
٢. لَا تَخْرُجُوا مِنَ الصَّفِّ.
٣. الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتاً.
٤. إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
٥. كَانَا يُسَافِرَانِ إِلَى مَدِينَةٍ رَى.

## التَّمْرِينُ السَّادِسُ - عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْفَرَاغِ:

١. ..... أَحْسَنْتُمْ، أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ.  مَن  إِن  أَنَا
٢. مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ، فَ..... حَسْبُهُ.  هُمْ  هِيَ  هُوَ
٣. مَنْ ..... كَثِيراً، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.  يُحَاوِلُ  يُحَاوِلُونَ  يُحَاوِلِينَ
٤. إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَابَهُ.....  كَ  كُنْ  كُمْ
٥. إِذْهَبْ إِلَى .....  الصَّفِّ  الصَّفِّ  الصَّفِّ

## التَّمْرِينُ السَّابِعُ - اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ:

١. مُسْتَمِعُونَ  جمع مؤنث سالم
٢. نَاجِحَات  فِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ
٣. جُنُود  اسْمُ الْمَكَانِ
٤. الْبُقْعَةُ  جمع المذكر
٥. لَا تُحْرَمَ  اسم الفاعل
٦. الْأَمَارَةُ  فعل النهى
٧. الْمَصْنَع  اسم المبالغة
٨. الْأَعْظَمُ  اسم التفضيل

## التَّمْرِينُ الثَّامِنُ - تَرْجَمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ:

١. مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ. (الجمع المذكر و مُفْرَدَةٌ و نوع فعل الشرط)
٢. مَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ. (فعل الشرط و جوائبه)
٣. إِنْ صَبَرْتَ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ. (اسم المكان و نوع جواب الشرط)
٤. الْمَسَاجِدُ بِيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ. (المبتدأ و الخبر و الجار و المجرور)
٥. يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ. (الفاعل و المفعول)
٦. إِنْ يَقُولُوا الْحَقَّ يَقُوزُوا. (أدات و فعل الشرط و جوائبه)

### پاسخ تمرین‌های امتحانی قواعد

#### التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

- |   |  |   |   |
|---|--|---|---|
| ۱ | هر کس چاهی حفر کند، در آن می‌افتد.                                 | ۱ | غیر شرطی، «لا» حرف نهی است.                                   |
| ۲ | از کلاس خارج نشوید.  | ۲ | شرطی، «مَنْ» ادات شرط است.                                    |
| ۳ | دانشمند زنده است، اگرچه بمیرد.                                     | ۳ | شرطی، «إِنْ» ادات شرط است.                                    |
| ۴ | به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. | ۴ | غیرشرطی، ادات شرط در جمله وجود ندارد.                         |
| ۵ | به شهر ری مسافرت می‌کردند.   | ۵ | غیرشرطی، زیرا ادات شرط در جمله وجود ندارد. «مَنْ» حرف جر است. |
|   |  | ۶ | شرطی، «مَنْ» ادات شرط است.                                    |

#### التَّمْرِينُ السَّادِسُ

- |   |  |   |                         |                       |                    |
|---|--|---|-------------------------|-----------------------|--------------------|
| ۱ | إِنْ، با توجه به معنا                    | ۱ | إِنْ: ادات شرط          | تَنْصُرُوا: فعل شرط   | يُنْصُرُ: جواب شرط |
| ۲ | هو، زیرا فعل شرط، مفرد مذکر است.         | ۲ | مَا: ادات شرط           | فَعَلْتُ: فعل شرط     | وَجَدْتُ: جواب شرط |
| ۳ | يُحَاوِلُ: زیرا جواب شرط، مفرد مذکر است. | ۳ | مَنْ: ادات شرط          | صَبَرَ: فعل شرط       | ظَفِرَ: جواب شرط   |
| ۴ | كَمْ، منظور جمله، جمع مخاطب است.         | ۴ | مَنْ: ادات شرط          | عَلَّمَ: فعل شرط      |                    |
| ۵ | الصَّفِّ، مجرور به حرف است.              | ۵ | لَهُ أَجْرٌ: جمله اسمیه |                       |                    |
|   |  |   | إِذَا: ادات شرط         | إِجْتَهَدْتُ: فعل شرط |                    |
|   |  |   | تَجَحَّضْتُ: جواب شرط   |                       | جملة اسمیه         |

#### التَّمْرِينُ الثَّانِي

#### التَّمْرِينُ السَّابِعُ

- |   |                      |   |   |
|---|----------------------|---|---|
| ۱ | اسم الفاعل           | ۱ | إِنْ: ادات شرط / اگر در کارهایتان تلاش کنید، موفق می‌شوید.                      |
| ۲ | جمع مؤنث سالم        | ۲ | مَنْ: ادات شرط / هرکس از حدود خدا تجاوز کند، پس آنان ستمگر هستند.               |
| ۳ | جمع المکسر           | ۳ | إِذَا: ادات شرط / هرگاه (اگر) در درس‌هایت تلاش کنی، در امتحان موفق می‌شوی.      |
| ۴ | قطعةٌ مِنَ الْأَرْضِ | ۴ | مَنْ: ادات شرط / هرکس زیاد تلاش کند، به هدف‌هایش می‌رسد.                        |
| ۵ | فعل النهی            | ۵ | مَا: ادات شرط / هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.                         |
| ۶ | اسم المبالغة         | ۶ | مَنْ: ادات شرط / هر کس پیش از سخن گفتن ببیند (اندیشد) خطایش کم می‌شود (کم شد)   |
| ۷ | اسم المكان           | ۷ | إِنْ: ادات شرط / اگر باران ببارد، هوا مناسب می‌شود.                             |
| ۸ | اسم التفضيل          | ۸ | إِذَا: ادات شرط / هرگاه (اگر) فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان از بین می‌روند. |

#### التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

#### التَّمْرِينُ الثَّامِنُ

- |    |   |   |   |
|----|---|---|---|
| ۱  | هرکس به بندگان خدا ستم کند، خداوند و دشمن او می‌شود.                | ۱ | مَنْ، زیرا حرف جر است و بقیه از ادوات شرط می‌باشند.           |
| ۲  | جمع مکسر: عباد، مفرد: عبد / نوع فعل الشرط: فعل ماضی «ظَلَمَ»        | ۲ | إِنْ، زیرا از ادات شرط است و بقیه اسم اشاره می‌باشند.         |
| ۳  | هرکس از راهنمایی من پیروی کند، گمراه نمی‌شود.                       | ۳ | تَكَاتَبَ، زیرا فعل ماضی است و دیگر گزینه‌ها فعل مضارع هستند. |
| ۴  | فعل شرط: اتَّبِعَ / جواب شرط: لا يَضِلَّ                            | ۴ | تَحْضُرِينَ، زیرا فعل مضارع است و بقیه فعل‌ها ماضی می‌باشند.  |
| ۵  | اگر صبر کنی، به واسطه صبرت، به جایگاه بزرگان می‌رسی.                | ۵ | مَنْ، زیرا ادات شرط است و دیگر گزینه‌ها ضمیر هستند.           |
| ۶  | اسم مکان: مَنَازِلُ (مَنْزِل) / نوع جواب شرط: فعل ماضی «أَدْرَكْتَ» |   |   |
| ۷  | مساجد، خانه‌های خداوند در زمین هستند.                               |   |   |
| ۸  | مبتدا: المساجد / خبر: بیوٲُ اللّٰه / جار و مجرور: فی الارض          |   |   |
| ۹  | خداوند مثال‌ها را برای مردم می‌زند.                                 |   |   |
| ۱۰ | فاعل: اللّٰه مفعول: الأمثال   |   |   |
| ۱۱ | اگر حق را بگویند، رستگار می‌شوند.                                   |   |   |
| ۱۲ | آدات شرط: إِنْ فعل شرط: يَقُولُوا جواب شرط: يَفُوزُوا               |   |   |

#### التَّمْرِينُ الرَّابِعُ